

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:Y6SH22A12551 ISSN-P: 2538-3701

بررسی حقوقی و جرم شناختی قانون مدیریت پسماندها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۱۸)

یونس محرمی^۱
دکتر دادیار هادی

چکیده

این مقاله به بررسی بررسی حقوقی و جرم شناختی قانون مدیریت پسماندها می پردازد روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. در قانون مدیریت پسماند ها که پسماند هارا به پنج گروه مجزا تقسیم و مصادیق ان را ذکر کرده بررسی خواهد شد که چقدر این مصادیق حصری بوده و یا تمثیلی و اینکه ایا این قانون صرفا مواردی که با چشم غیر مسلح قابل لمس بوده را شامل می شود و در عمل مشمول می-گردد به عنوان مثال در گروه پزشکی سرنگ ها بعد از استفاده که جزء مصداق بارز پسماند قابل مشاهد و ملموس می باشد و یا اینکه مواردی که در ظاهر و با چشم غیر مسلح نمی شود مشاهده کرد اما در واقعیت خیلی مضرتر از پسماندی می باشند که قابل مشاهده هستند به عنوان مثال باقی مانده دارویی در گوشت دام قبل از گشتار که این دارو در کبد دام ذخیره شده و با عدم رعایت اصول به مصرف انسان می رسد این موارد چقدر در قانون مدیریت پسماند جایگاه دارد و اینکه این قانون چقدر می تواند خاطیان را شناسایی و مسئولیت مدنی و کیفری را در این خصوص به اجزا در آورد لذا مواردی همچون این موضوع در خصوص پسماند های دیگر از قبیل کشاورزی و صنعتی نیز مطرح و بررسی شده است.

واژگان کلیدی: بررسی حقوقی، جرم شناسی، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳، آیین نامه اجرایی مدیریت پسماندها

مقدمه

مدیریت پسماندها امروزه یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار به حساب می آید که در بسیاری از کشورها قوانین و مقررات فراوانی پیرامون آن تصویب و به مرحله اجرا درآمده است. امروزه کشورهای توسعه یافته به پسماند نه به عنوان یک تهدید بلکه به عنوان فرصتی جهت توسعه کشور و تهیه و تولید کالا و انرژی مورد نیاز می نگرند. در کشور ما تا سال ها قوانین و مقررات مناسبی در حوزه مدیریت پسماند وجود نداشت و با تصویب قانون جامع مدیریت پسماند در سال ۱۳۸۴ توسط مجلس شورای اسلامی، اولین گام در جهت مدیریت هماهنگ و منظم پسماندهای شهری و روستایی برداشته شد. تا پیش از تصویب این قانون، عمدتاً بحث از پسماند تحت عنوان آلاینده های آب و خاک و هوا مطرح می شد و در قانون مجازات اسلامی مجازات های محدودی برای فرد خاطی در نظر گرفته شده بود. قانون جامع مدیریت پسماند از یک سو تعریف جامعی از پسماند ارائه داد و از سوی دیگر نهادهای مجری مدیریت پسماند را معرفی کرده و تا اندازه های نحوه همکاری بین نهادهای مختلف در این زمینه را توضیح داد. علیرغم این دستاوردهای همچنان مسائل و مشکلاتی در قانون وجود دارد که باعث شده مدیریت پسماندها در عمل با چالش هایی روبه رو شود. به نظر می رسد نظام مدیریت پسماند در کشور در درجه اول دارای یکسری ابهامات قانونی است و در درجه دوم دست به گریبان مشکلات جدی ساختاری و تشکیلاتی است که حتی در صورت برطرف شدن مسائل حقوقی، همچنان مدیریت پسماند را با مشکل مواجه خواهد کرد. در این پژوهش به بررسی حقوقی و جرم شناختی قانون مدیریت پسماندها می پردازیم.

بخش اول: مفاهیم و کلیات

بند اول: مفهوم پسماند

ارائه تعریفی جامع و مانع از پسماند به علت تنوع ماهیت و درجه خطرناکی این مواد امر دشواری است. با وجود این دشواری ارائه تعریف برای شناخت ماهیت پسماند ضروری است. به همین دلیل و به ویژه به دلیل نبودن ورود این موضوع در قوانین کشورها، در کنوانسیون های بین المللی و قوانین کشورهای مختلف سعی در ارائه تعریفی در این زمینه شده است. به موجب ماده ۲-۱ کنوانسیون بازل، زباله ها، اجسام یا اشیایی هستند که طبق مقررات قانون ملی دفع می شوند یا باید دفع شوند. در این ماده هر چند تدوین کنندگان کنوانسیون در مقام ارائه تعریفی از پسماند بوده اند اما در واقع تعریفی ارائه نمی دهند. البته از این تعریف مجمل دو نکته مهم قابل استنباط است. اول اینکه، پسماند شی ای است که معمولاً

دفع می شوند یا باید دفع شوند و دوم اینکه، تشخیص و تعیین قابل دفع بودن اشیاء و در نتیجه پسماند محسوب شدن آنها را قانون تعیین می کند. در حقوق فرانسه به «باقیمانده فرآیند تولید، یا باقیمانده هر ماده اولیه به کار رفته در فرآیند تولید و یا ماده اولیه تغییر شکل یافته یا استفاده شده و یا هر گونه مال منقول رها شده یا اینکه متصرف در نظر دارد آن را رها کند پسماند اطلاق شده است.» در حقوق سوئیس به موجب بند ۶ ماده ۷ قانون فدرال مربوط به حمایت از محیط زیست پسماند به «اشیاء منقولی گفته می شود که متصرف آن را رها می کند یا اینکه دفع آن برای منافع عمومی توصیه شده است.» ماده ۱۹۳ قانون جدید جزایی کشور مالی مصوب ۲۰۰۱ مقرر می دارد: «محصولات و مشتقات استفاده نشده و غیر قابل استفاده، پسماندها و زباله های ناشی از یک فعالیت صنعتی، تجاری، کشاورزی، علمی یا هر گونه فعالیت که بتواند خطری برای بهداشت و محیط زیست خواه توسط خودشان یا در صورت تماس با سایر محصولات در اثر فعل و انفعالات شیمیایی یا خاصیت سمی شان داشته باشد، پسماندهای خطرناک تلقی می شود.» (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۲۰۶). بر اساس تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) پسماند عبارت است از موادی اجتناب ناپذیر ناشی از فعالیت های انسانی، که در حال حاضر و در آینده نزدیک نیازی به آن نیست و پردازش و یا دفع آن ضروری است. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) پسماند را این گونه تعریف می کند «اشیایی که مالکشان آنها را نمی خواهد، یا نیازی به آنها ندارد، یا از آنها استفاده نمی کند و به پردازش و یا دفع نیاز دارد.» در بند «ب» از ماده دوم قانون مدیریت پسماند تعریف مفید و مختصری از پسماند به عمل آمد که در تمام مصوبات بعدی نیز تکرار شده است. براساس این تعریف: پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زائد تلقی می شود.

در متن این قانون، پسماندها به پنج گروه پسماندهای عادی، پسماندهای پزشکی (بیمارستانی)، پسماندهای ویژه، پسماندهای کشاورزی و پسماندهای صنعتی تقسیم می شوند. الف) پسماندهای عادی: به کلیه پسماندهایی گفته می شود که به صورت معمول از فعالیت های روزمره انسانها در شهرهای روستاها و خارج از آنها تولید می شود، از قبیل پسماندهای خانگی و نخاله های ساختمانی. الف - ۱. پسماندهای خانگی به مواد زائد جامدی که از پسماندها و آشغال تشکیل شده و معمولاً در خانه ها و آپارتمانها تولید می شود، اطلاق می گردد. این پسماندها ممکن است مقادیر قابل توجهی مواد سمی و پسماند خطرناک به همراه داشته باشند. الف - ۲. پسماندهای تجاری: منظور از

پسماندهای تجاری مواد زائدی است که توسط مغازه ها، ادارات، رستورانها، انبارها و سایر فعالیت های غیر صنعتی تولید می شود و شامل پسماندهای صنعتی و خانگی نمی گردد. الف - ۳. نخاله های ساختمانی: پسماندهایی که از ساخت، تخریب، تعمیر، بازسازی و بهسازی پیاده روها، خانه ها، ساختمانهای تجاری و سایر سازه ها حاصل می شود و شامل موادی مانند بتن، آجر و مصالح بنایی، خاک و سنگ، زائدات آسفالت، لاستیک های موجود در بتن، چوب تصفیه نشده و الوارها می شود. این پسماندها، آزبست، چوب تصفیه شده با استفاده از آرسنیک، کروم، مس یا سایر مواد شیمیایی و خاک های آلوده یا محتویات مخازنی که در اثر پاکسازی یا اصلاح یا نشت تخلیه می شوند را شامل نمی شود.

از نظر قانون مدیریت پسماندها «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زاید تلقی می شود. در این تعریف دو نکته حائز اهمیت است. (موسوی مقدم، ۱۳۸۹: ۴۴).

اول - پسماند باید به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت انسانها تولید شود.

چون به موجب قانون مدیریت پسماندها دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان در تولید پسماند ضروری است لذا اگر مواد زایدی بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان تولید شود، نمی توان آنها را پسماند دانست. در نتیجه هر گاه بدون دخالت انسان کوه یا معدنی ریزش نماید، نخاله ها و سنگ های حاصل از آن پسماند محسوب نمی شود تا نگهداری، مخلوط کردن، جمع آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه آنها در محیط واجد وصف کیفری باشد یا مسئولیتی در پی داشته باشد. همچنین فضولات پرندگان و حیوانات وحشی که در طبیعت و بدون دخالت انسان زندگی می کنند را به علت عدم نقش آفرینی انسان در تولید آن نمی توان پسماند محسوب نمود. تاکید قانونگذار بر قید «دخالت انسان» موجب می شود که حتی لاشه حیوانات غیر اهلی را که بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان به طور طبیعی تلف می شوند از شمول تعریف «پسماند» خارج سازیم. هر چند آثار زیانبار زیست محیطی آنها بیشتر از پسماندهای حاصل از دخالت انسان باشد؛ لذا اگر بدون دخالت انسان موجودات دریایی تلف شوند یا حتی مرغ های یک مرغداری یا گاوهای یک گاوداری تلف شوند نمی توان آنها را پسماند و در نتیجه مشمول مقررات این قانون دانست. مگر اینکه «فعالیت انسان را به گونه ای موسع تفسیر نماییم و اینگونه توجیه نماییم که مرگ مرغهای مرغداری یا دامهای یک دامداری به طور غیر مستقیم از فعالیت انسان ناشی می شود زیرا یا انسان در نگهداری آنها کوتاهی

ورزیده است و یا بیماری عارض شده غیر مستقیم از فعالیت انسان ناشی شده است. با توجه به تعریف پسماند در قانون مدیریت پسماندها شاید بتوان نتیجه گرفت که نخاله های ساختمانی حاصل از تخریب ساختمان در اثر بلایای طبیعی همچون زلزله و سیل علیرغم داشتن حجم، ارزش و آثار زیانبار فراوان از شمول تعریف پسماندها خارج است؛ چرا که انسان در پیدایش زلزله و سیل و در نتیجه این نخاله ها نقشی را ایفا نمی کند. هر چند ساختمان را انسان ساخته است؛ اما معیار ارائه شده در این تعریف این است که تولید پسماند در نتیجه عمل انسان باشد که در این فرض انسان در تولید پسماند نقشی ندارد.

دوم - پسماند باید از نظر تولید کننده زاید تلقی شود.

وابسته کردن تعریف پسماند به نظر تولید کننده پسماند می تواند آثار زیانباری به دنبال داشته باشد زیرا با این قید مواد زایدی که علیرغم داشتن آثار مخرب زیست محیطی چون تولید کننده آنها را زاید نمی داند و می خواهد از آنها و بدون بازیافت بهره برد؛ از شمول تعریف پسماند خارج می شود و بر همین اساس است که به موجب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بازل «زباله ها اجسام یا اشیایی است که طبق مقررات قانون ملی دفع می شوند یا باید دفع شوند» به موجب کنوانسیون قانونگذار است که با ارائه معیارهایی اعلام می کند چه موادی پسماند محسوب می شوند و دفع یا بازیافت آنها ضروری است و اراده تولید کننده را بی تأثیر می داند. ضمن اینکه مفهوم زاید در تعریف ارائه شده از سوی قانون مدیریت پسماندها مبهم است. زیرا تولید کننده ای که مازاد بر نیاز شخصی محصولی را تولید می کند، مقدار بیش از نیاز او، مازاد محسوب می شود. در حالی که مسلماً قانونگذار نمی خواست چنین مصداقی را پسماند تلقی کند. به طور کلی واژه مواد زائد به آن دسته از موادی اطلاق می گردد که هیچ نوع ارزش و یا مورد استفاده ای ندارد. اگر چه این تعبیر از مواد زائد در همه موارد درست به نظر نمی رسد. مسلمة تمام مواد زائد باید به درستی تصفیه و دفع گردیده تا در نهایت شرایط و کیفیت محیط زیست به نحو مطلوب حفظ شده و بهبود یابد. ولی مواد زائد خطر ناک به دلیل داشتن خصوصاتی چون سمیت، پایداری در محیط زیست، تحرک، اشتعال پذیری و سایر خصوصیات ویژه در مقایسه با سایر مواد زائد، مثل زباله های شهری، نیازمند قوانین و مقررات محکم تر و همچنین معیارهای کنترلی فنی تر و تخصصی تر هستند. یکی از تعاریف کاربردی در خصوص مواد زائد خطرناک، تعریفی است که توسط دو گروه ویژه متخصصین مدیریت صحیح زیست محیطی مواد زائد خطرناک در سال ۱۹۸۵ ارائه شده است. طبق این تعریف، مواد زائد خطر ناک یعنی موادی به غیر از مواد پرتوزا که به دلیل میل ترکیبی شدید (Reactivity)، سمیت (Toxicity)، قابلیت انفجار (Explosively)، خاصیت

خورندگی (Corrosively) و سایر مشخصات برای محیط زیست یا سلامتی انسان و سایر جانداران خطرناک بوده و می توانند خطر آفرین باشند. بدیهی است که این گونه مواد می توانند اثرات سوء گسترده ای را بر محیط زیست اعمال نموده و نیاز به بررسی دقیق میزان تولید، انتقال و کیفیت دفع بسیار ضروری به نظر می رسد.

بخش دوم: بررسی انواع پسماند

قانون مدیریت پسماند، پسماندها را به پنج نوع تقسیم کرده است: پسماند عادی، پزشکی یا بیمارستانی، ویژه، کشاورزی و صنعتی که ذیلا هر یک از آنها به طور مختصر توضیح داده می شود.

بند اول: پسماند عادی

«به کلیه پسماندهایی گفته می شود که به صورت معمول از فعالیت های روزمره انسانها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می شود از قبیل زباله های خانگی و نخاله های ساختمانی» ویژگی این نوع از پسماندها این است که از فعالیت های عادی و روزمره زندگی انسانها حاصل شوند بدون آنکه انسانها اقدام خاص و جدیدی همچون کشاورزی، فعالیت صنعتی یا پزشکی را برای به وجود آمدن آنها انجام دهند، اما «الجن های حاصل از تصفیه فاضلاب های شهری، تخلیه چاههای جذبی و فاضلاب خانگی» اگر چه از فعالیت های روزمره انسانها تولید می شوند؛ اما تنها در صورتی که خشک و کم رطوبت باشند، در دسته پسماندهای عادی قرار خواهند گرفت. هرچند بیشتر پسماندهای عادی را زباله های خانگی تشکیل می دهد اما پسماندهای عادی به زباله های خانگی محدود نمی شود. در باب خسارت های ناشی از آلودگی پسماندها از آنجایی که این نوع از آلاینده ها ممکن است تأثیر های سوئی بر جسم و سلامت افراد گذارد نمی توان در مضر بودن این نوع از آلاینده ها تردیدی به ذهن راه داد؛ برای نمونه مواد زائد خطر ناک یا همان پسماندهای ویژه به علت کمیت، غلظت و یا کیفیت فیزیکی، شیمیایی و یا بیولوژیکی می توانند باعث افزایش میزان مرگ و میر و یا بیماری های بسیار جدی شوند و یا آن دسته از پسماندهای خانگی که جزو پسماندهای خشک محسوب شده و در طبیعت پدیدارند و تا سالیان سال تجزیه نمی شوند. اثرهای مخربی بر حیات جانوران و گیاهان خواهند گذاشت. انواع ظروف پلاستیکی، بطری های پلاستیکی، روکش ها، کیسه ها، اسباب بازی ها، انواع ظروف یکبار مصرف و ... به طور متوسط ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال طول می کشد تا تجزیه شوند. ماندگاری این مواد در خاک باعث کاهش کیفیت خاک شده و حیات جانوران و گیاهان را به خطر می اندازد.

بند دوم: پسماند پزشکی یا بیمارستانی

به کلیه پسماندهای عفونی و زیان آور ناشی از بیمارستانها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه های تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه گفته می شود. سایر پسماندهای خطرناک بیمارستانی نظیر پسماندهای پرتوزا، از شمول این تعریف خارج است. به موجب بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها «به کلیه پسماندهای عفونی و زیان آور ناشی از بیمارستانها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاهی تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه پسماند پزشکی یا بیمارستانی گفته می شود.» به استثنای پسماندهای خطرناک بیمارستانی گه به موجب قسمت اخیر ماده استنادی از شمول تعریف پسماندهای بیمارستانی خارج شده اند. بر این اساس برای اینکه پسماندی طبق قانون مدیریت پسماندها، پسماند پزشکی محسوب شود باید همزمان دارای سه ویژگی عفونی، زیان آور و ناشی شدن از فعالیت های پزشکی همانند مراکز بیمارستانی باشد. اما قضاوت در مورد اینکه چه نوع پسماندهایی، عفونی محسوب می شوند کار آسانی نیست. تا کنون تعاریف گوناگونی برای پسماندهای عفونی ارائه شده است که هر یک از آنها از شیوه نگهداری، جمع آوری و حمل و نقل و دفع این پسماندها، همچنین تعیین هزینه های مربوط به تکنولوژی جمع آوری و دفع و نهایتا مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی این پسماندها متأثر می باشند. سازمان محیط زیست آمریکا واژه پسماند عفونی را به این شرح تعریف کرده است: «پسماندهای عفونی شامل موادی هستند که می توانند باعث بروز بیماری های عفونی شوند. این مواد با چهار عامل بیماری زای زیر در ارتباط هستند:

۱- میزان عامل عفونت زا ۲- مقاومت عامل عفونت زا در محیط ۳- نحوه ورود به بدن میزبان ۴- مقاومت میزبان به عامل بیماریزا»

سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا (EPA) پسماندهای بیمارستانی را به این شرح تعریف کرده است: «هر ماده زاید جامدی که در هنگام تشخیص بیماری، ایمن سازی بدن انسان و حیوانات و در تحقیقات مربوط به آنها یا در هنگام تهیه و تولید واکسن یا آزمایشات بیولوژیکی به وجود می آید.» (عمرانی و علوی نخجوانی، ۱۳۸۶: ۱۹)

اگر چه بیمارستانها اصلی ترین منبع تولید پسماندهای پزشکی هستند اما نباید از دیگر منابع تولید کننده این گونه پسماندها همانند آزمایشگاههای تحقیقاتی، مطب پزشکان و دندان پزشکان، مراکز بیوتکنولوژی، خانه سالمندان و مراکز و منازل نگهداری افراد بیمار غافل بود.

مسئله در بیمارستانها و مراکز درمانی و پزشکی علاوه بر پسماندهای عفونی و زیان آور، پسماندهای

عادی هم تولید می شود که نه خطرناک اند و نه عفونی و زیان آور. همانند پسماندهای بوفه ها و رستورانهای بیمارستانها؛ اما این دسته از پسماندها چون عفونی و زیان آور نیستند علیرغم این که از بیمارستانها و مراکز پزشکی تولید می شوند، پسماند پزشکی محسوب نمی شوند. اما به نظر می رسد اولاً با توجه به این که پسماندهای عادی تولید شده در مراکز درمانی و بیمارستانی فاقد ویژگی عفونی و زیان آور هستند، نمی توان آنها را پسماند پزشکی عادی دانست بلکه آنها صرفاً «پسماند عادی» هستند و ثانیاً تمامی پسماندهای ناشی از مراقبت های پزشکی را نمی توان پسماند پزشکی ویژه دانست؛ زیرا اگر طبقه بندی مندرج در ماده ۹ ضوابط و روشهای مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی را بپذیریم نتیجه اش آن خواهد شد که اساساً چیزی به عنوان «پسماند پزشکی» بدون وصف عادی و ویژه وجود ندارد. در حالی که به موجب قانون مدیریت پسماندها، پسماندها به پنج دسته تقسیم می شوند که پسماند پزشکی یکی از انواع پنجگانه پسماندها است که اگر به دلیل بالا بودن یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماریزایی و ... مستلزم مدیریت خاص و ویژه باشد، پسماند پزشکی ویژه محسوب خواهد شد؛ لذا با توجه به قانون مدیریت پسماندها، پسماندهای تولید شده در بیمارستانها و مراکز درمانی و بهداشتی را می توان به شرح زیر تقسیم کردن ۱- پسماند عادی ۲- پسماند پزشکی که دارای سه ویژگی عفونی، زیان آور و ناشی از فعالیت های بیمارستانی است. ۳- پسماند پزشکی ویژه یا خطرناک که علاوه بر عفونی، زیان آور و ناشی از فعالیت های بیمارستانی بودن، دارای یکی از خواص خطرناکی از قبیل سمیت، بیماریزایی، قابلیت انفجار است. نکته دیگر در تعریف پسماند پزشکی آن است که این پسماندها صرفاً از فعالیتهای پزشکی مراکزی که به صورت حرفه ای فعالیت پزشکی می کنند تولید می شود و مثلاً اگر همین مواد در منزل یا مغازه ای تولید شود که بیمارستان یا ... محسوب نشود، پسماند پزشکی محسوب نمی شود؛ زیرا به موجب نص قانون این مواد باید توسط مراکز بیمارستانی تولید شود نه هر تولیدی و از طرفی از فعالیت های روزمره آدمی هم نیست. مقید کردن تولید پسماندهای پزشکی صرفاً از بیمارستانها و مراکز درمانی موجب می شود که اگر این پسماندها از غیر مراکز درمانی و بیمارستانی تولید شوند، پسماند عادی محسوب شوند. حتی تصور اینکه چنین مرده به دنیا آمده در غیر از بیمارستان و مراکز درمانی یا باند رولهای پانسمانی عفونی، استفاده شده در خارج از محیط های درمانی پسماند عادی محسوب شود علیرغم دارا بودن ویژگی عفونی و زیان آور، غیر منطقی است. به ویژه آنکه در نتیجه عادی محسوب شدن اینگونه پسماندها، مدیریت اجرایی این پسماندها بر عهده شهرداری ها و دهرداریها می افتد و موجب مخلوط

شدن پسماندهای عادی با این دسته از پسماندهای عفونی و زیان آور می شود که می تواند آسیب های زیادی در پی داشته باشد.

بند سوم: پسماندهای ویژه

به کلیه پسماندهایی گفته می شود که به دلیل بالا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت های ویژه نیاز داشته باشد و آن دسته از پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی و کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند، جزء پسماندهای ویژه محسوب می شوند. تبصره ۲ ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها در خصوص فهرست پسماندهای ویژه مقرر می دارد: «فهرست پسماندهای ویژه از طرف سازمان محیط زیست، با همکاری دستگاههای ذیربط تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست خواهد رسید.» نیاز به مدیریت خاص یا مراقبت ویژه ناشی از خطرناک بودن آن به سبب بالا بودن ویژگی های سمیت، بیماری زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن مهم ترین ویژگی پسماندهای ویژه است که آن را از سایر پسماندها منفک می کند. برای شناخت پسماندهایی که نیازمند مدیریت خاص یا مدیریت ویژه هستند در قانون مدیریت پسماندها، معیار خاصی تعیین نشده است و تعیین فهرست پسماندهای ویژه طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون مذکور به سازمان محیط زیست واگذار شده است تا با همکاری دستگاه های ذیربط آن را تدوین نماید. هر چند اصطلاحاتی چون مواد سمی، مواد عفونت زا، مواد خورنده توسط قانون مدیریت پسماندها تعریف نشده اند، اما سند الحاقی به کنوانسیون بازل این اصطلاحات را تعریف کرده است.

به موجب تبصره ۱ ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها: «پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی و کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند، جزو پسماندهای ویژه محسوب می شوند.» هر چند در قانون معیار مشخصی به دست نداده است که چه زمان پسماند عادی، کشاورزی، صنعتی و پزشکی به پسماند ویژه تبدیل می شوند اما سازمان محیط زیست مرجع تشخیص حد تبدیل پسماند ویژه و عادی به یکدیگر شناخته شده است که این سازمان بر اساس میزان و غلظت عامل خطرناک در پسماند، در مورد آن اظهار نظر می کند. پسماندهای ویژه پرتوزا، پسماندهایی هستند که علاوه بر دارا بودن ویژگی پسماندهای ویژه دارای خصوصیات پرتوایی هم هستند که طبق تبصره ۳ ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها تابع قوانین و مقررات مربوط به خود هستند و از شمول مقررات قانون مدیریت پسماندها خارج هستند.

بند چهارم: پسماند کشاورزی

به موجب بند ۴ ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها، پسماندهای کشاورزی به پسماندهای ناشی از فعالیت های تولیدی در بخش کشاورزی گفته می شود از قبیل فضولات، لاشه حیوانات دام، طیور و آبزیان محصولات کشاورزی فاسد یا غیر قابل مصرف، تعریف کرده است. از این تعریف نمی توان معیار مشخصی برای شناسایی پسماندهای کشاورزی به دست آورد. برای جبران این نقیصه می توان به تعریف ارائه شده از سوی سازمان خواروبار جهانی فائو مراجعه نمود. و بر اساس تعریف فائو هرگونه تغییری در کیفیت که منجر به عدم دسترسی، عدم ایمنی و غیر قابل خوراکی شدن محصولات کشاورزی برای مصرف انسان شود، پسماند کشاورزی محسوب می گردد. ملاحظه می گردد که این تعریف به درستی برای اراده تولید کننده در پسماند تلقی شدن محصولات کشاورزی نقشی قابل نشده است، ضمن اینکه دخالت انسان را هم برای پسماند تلقی کردن محصولات کشاورزی لازم ندانسته است زیرا بروز تغییر در کیفیت محصولات کشاورزی بیشتر در اثر عوامل غیر انسانی اتفاق می افتد. اما مطابق تعریف ارائه شده از سوی قانون مدیریت پسماندها، پسماندهای کشاورزی اولاً: الزاما باید از فعالیت های تولیدی بخش کشاورزی ناشی شود؛ لذا فضولات حیوانات وحشی یا برگ درختان جنگل که هیچ فعالیت انسانی در تولید آن نقش نداشته است نمی تواند پسماند کشاورزی محسوب شود. ثانیة واژه کشاورزی در مفهوم عام آن مورد نظر قانونگذار بوده است به گونه ای که فعالیت های دامپروری را هم در بر می گیرد. ثالثاً محصولات کشاورزی الزاما باید فاسد و غیر قابل مصرف باشند تا پسماند محسوب شوند؛ لذا اگر محصول کشاورزی علیرغم عدم فساد و قابلیت مصرف داشتن به علت قیمت پایین یا نداشتن مشتری دور ریخته شوند یا در زمین کشاورزی رها شوند، پسماند محسوب نمی شوند. با توجه به اینکه قانون گذار معیار شناسایی پسماند را از غیر آن، نظر تولید کننده دانسته است لذا محصولات کشاورزی باید از نظر تولید کننده فاسد و غیر قابل مصرف محسوب شوند. بدیهی است هرگاه علیرغم اینکه از نظر علمی فاسد محسوب شود؛ اما تولید کننده آن را غیر فاسد و قابل مصرف بداند، نمی توان آن را پسماند تلقی کرد. پسماندهای کشاورزی به دو نوع تقسیم می شوند: الف - پسماندهای عادی کشاورزی: به پسماندهای ناشی از هر گونه فعالیت در بخش کشاورزی گفته می شود از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان محصولات کشاورزی فاسد یا غیر قابل مصرف. ب- پسماندهای ویژه کشاورزی: به کلیه پسماندهای کشاورزی که دارای حداقل یکی از ویژگی های پسماند ویژه از قبیل سمیت و بیماری زایی باشند که از آن جمله می توان به مواد و

محصولات آلوده به سموم دفع آفات نباتی، کودهای شیمیایی، پسماند دامپزشکی، باقیمانده غیر قابل استفاده مواد و داروهای شیمیایی و بذور و محصولات غیر قابل مصرف و فاقد شناسنامه زیست محیطی اشاره نمود.

بند پنجم: پسماند صنعتی

به کلیه پسماندهای ناشی از فعالیت های صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی، صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن گفته می شود از قبیل براده ها، سرریزها و لجن های صنعتی. می توان لجن های غیر صنعتی را هم به تقسیم بندی فوق افزود. هر گونه ماده زائد جامد، نیمه جامد یا مایع که حاوی مواد دانه ای و آشغال های تصفیه خانه های فاضلاب شهری، تجاری یا صنعتی، تصفیه خانه های آب، مراکز شستشوی اتومبیل و تسهیلات کنترل آلودگی هوا و سایر مواد زائدی که مشخصات مشابهی داشته باشند را لجن می گویند. لجن سپتیک تانک و چاه های جاذب مواد نیمه جامدی هستند که شامل جامدات ته نشین شده فاضلاب در ترکیب با مقادیر مختلف آب و مواد محلول در سپتیک تانک با چاه های جذبی تولید می شود (پژوهشکده محیط زیست، ۱۳۹۲: ۱-۲). پسماند صنعتی به صورت جامد، نیمه جامد و مایع بوده و از تنوع بسیار زیادی برخوردار هستند. رشد سریع تکنولوژی، دستیابی به مراحل جدید تولید، جایگزینی مواد مصنوعی به جای الیاف طبیعی و ستر هزاران نوع مواد و ترکیبات شیمیایی، باعث افزایش حجم زیادی از زباله های صنعتی و در برخی موارد، باعث تولید زباله های جامد و مایع خطرناک گردیده است. جابجایی و استعمال نامناسب پسماند صنعتی که اغلب محتوی مواد خطرناک هستند، مشکلات زیادی را برای انسان و محیط زیست او ایجاد می کند. کنترل مؤثر و اعمال یک مدیریت صحیح پسماند صنعتی، برای بهداشت، حفظ محیط زیست، و مدیریت منابع طبیعی، از اهمیت خاصی برخوردار است. قانون مدیریت پسماندها در بند ج ماده ۲ پسماندهای صنعتی را به کلیه پسماندهای ناشی از فعالیت های صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن از قبیل براده ها، سرریزها و لجن های صنعتی تعریف کرده است. توجه به این نکته ضروری است که قانون مدیریت پسماندها و آیین نامه اجرایی آن تعریف دقیقی از فعالیت های صنعتی ارائه نکرده است به ویژه لازم بود فعالیت صنفی و صنعتی از یکدیگر باز شناسانده شوند زیرا در عمل مدیریت اجرایی پسماندها را با مشکل جدی مواجه می سازد زیرا پسماندهای تولیدی از سوی اصناف همانند تراشکاران و نجاران را آیا باید پسماند صنعتی محسوب کرد و یا با معیار شخصی پسماندهای تولیدی از سوی اصناف فعالیت های صنعتی که نیازمند

مجاز لازم از سوی وزارت صنایع هستند منفک نمود؟

بخش سوم: رویکردهای حقوقی و کیفری ایران در قبال پسماندها با تاکید بر قانون مدیریت پسماندها

بند اول: رویکردهای حقوقی ایران در قبال پسماندها و آسیب شناسی آن

طبیعت مادر انسان است. زمین گهواره و بستر زایش، بالش، گسترش، پوشش، رسایی و تکامل انسان است. انسان با استفاده از منابع طبیعی، به هستی و زندگی خود ادامه می دهد. بدین سان، بهره گیری خردمندانه و منصفانه و عادلانه از منابع طبیعی عامل آسایش مادی و معنوی نوع بشر است، در حالی که سوء استفاده و بهره گیری آزادمندانه و نابخردانه از طبیعت و منابع طبیعی آن منجر به تخریب منابع حیاتی و آلودگی و مسمومیت محیط زیست انسان ویران می گردد (محمود صالحی، ۱۳۸۳: ۲۹۹).

کره زمین، این تنها آشیانه انسان به سرعت در حال تخریب و نابودی است. تردیدی نیست که به تبع آلودگی محیط زیست، زیست انسانی نیز به لحاظ کمی و کیفی سخت در معرض خطر قرار می گیرد. این معضل به ویژه در کلان شهرها که از تراکم جمعیتی بالا و تجمع آلاینده های مختلف برخوردارند بخش عمده ای از جمعیت هر کشور را به زندگی ناگزیر در مکانی سوق داده است که کابوس غیر قابل سکونت شدن آن در آینده ای نه چندان دور نگرانی های جدی را دامن زده است. کثرت قوانین ملی و مقررات بین المللی موجود در حفاظت از محیط زیست و استقرار حق شهروندان در برخورداری از محیط زیست سالم در نظام حقوق بین الملل (محیط زیست - حقوق بشر) و تثبیت اصل توسعه پایدار نیز این نگرانی را چندان کاهش نداده است. فاصله میان شناسایی استانداردهای زیست محیطی و اجرای مؤثر و فراگیر آن استانداردها در سطح ملی، منطقه ای و جهانی بسیار زیاد است. حفاظت از محیط زیست در اغلب مناطق کره خاکی قربانی شکاف های صنعتی، تفرقه سیاسی و فقر فرهنگی شده است. (حوریه حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

با توجه به اهمیت و ضرورت حفاظت از محیط زیست است که منشور جهانی طبیعت از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ تصویب شد. در این منشور از جمله آمده است: «بشر جزئی از طبیعت است که باید حیات مستمر داشته باشد و برای این حیات مستمر سیستم طبیعی با جایگزینی انرژی و مواد غذایی انرژی زا، تامین کننده آن است.»

هر جزء از حیات با هر نوع سود و فایده ای که دارد، بی نظیر و مستحق احترام است، تمدن بشر ریشه در طبیعت دارد، چون فرهنگ و هنر و علم و بشر با تأثیر از آن، شکل یافته است. ولی انسانها می توانند طبیعت را تغییر دهند و منابع طبیعی را به طور مستقیم و غیر مستقیم مستهلک سازند، بنابراین آنها

بایستی به ضرورت حفظ و نگهداری لطافت و ظرافت و کیفیت طبیعت و حفاظت از منابع طبیعی توجه داشته باشند. بهره برداری مستمر از طبیعت موکول به این است که تا چه حدی از فرآیند اکولوژی و سیستم حیات و تنوع گونه های موجود در آن، حفاظت شود که به دلیل بهره برداری بیش از حد مجاز، توسط بشر و تصرف زیستگاه های طبیعی در معرض مخاطره نیفتد. لازمه دستیابی به توسعه به فضای برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت های نسل های آینده به گونه ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد حفاظت از محیط زیست است.

در تمامی اشکال فعالیت انسان و توسعه، به انرژی نیاز می باشد و اقتصاد جدید به عرضه های موفق، قابل اعتماد و مختلف انرژی با سوخت های سنگواره ای که برجسته ترین منبع آن می باشند، بسیار وابسته است، در حالیکه منابع قابل تجدید انرژی مثل باد، خورشید و نیروی اتمی یک منبع نسبتاً کوچک از انرژی را تشکیل می دهند. کلیه فن آوری های انرژی، پتانسیل ایجاد آشفتگی در فرآیند زیست محیطی و تهدید سلامتی انسان را دارند، هیچ فن آوری انرژی مجاز وجود ندارد که تنها سود آن مطرح باشد بلکه همراه با خطر زیست محیطی می باشد. در این مبحث به بررسی رویکردهای حقوقی ایران در قبال پسماندها و آسیب شناسی آن می پردازیم.

بند دوم: رویکردهای تقنینی نسبت به مدیریت پسماندها

در ارتباط با مدیریت پسماند، هر بی توجهی در این زمینه خسارت جبران ناپذیری به اکوسیستم طبیعی وارد خواهد کرد (دن، هیزن، ۱۳۸۵). در حال حاضر روزانه بیش از ۴۸۰۰۰ تن پسماند عادی، ۴۰۰ تن پسماند بیمارستانی، ۹۰۰۰ تن پسماند ویژه صنعتی در کشور تولید می شود. از این میزان حدود ۷۵۰۰ تن زباله در تهران تولید می شود که حدود ۶۰۰ تن مربوط به شهرکهای اطراف تهران و حدود ۸۰ تن زباله های بیمارستانی است. در همین راستا در کشور ما، اصل پنجاهم قانون اساسی به صراحت حفظ محیط زیست را وظیفه عمومی تلقی نموده و به منظور حفظ محیط زیست از آثار مخرب و زیان بار پسماندها و بهبود محیط زندگی و جلوگیری از شیوع بیماری ها و امراض ناشی از دفع نشدن بهداشتی پسماندها و نیز اجرایی شدن اصل ۵۰ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۰ قانون مدیریت پسماند را تصویب و شورای نگهبان نیز آن را در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۹ تأیید نمود و آیین نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۵ به تصویب هیئت محترم وزیران رسید. مطابق با این قانون، مدیریت اجرایی کلیه پسماندها در این قانون به غیر از صنعتی و ویژه در شهرها و روستاها و حریم آنها به عهده شهرداری و دهیاری و در خارج از حوزه آنها به عهده بخشرداری ها است. پسماندهای ویژه و

صنعتی هم به عهده تولید کننده آنها است (مدیریت اجرایی در قانون)..

بخش چهارم: تحلیل جرم شناختی و سیاست جنایی مبتنی بر قانون مدیریت پسماندها بند اول: جرم شناختی پسماندهایی از قبیل آلاینده های پزشکی مانند سرنگ ها بعد از مصرف

با وجود روش های نوین جهت دفع پسماندهای بیمارستانی از جمله سرنگ ها، در بسیاری از مناطق کشور دفع این پسماندهای خطرناک همچنان به روش سنتی و از طریق «دفن» صورت می گیرد. دفن پسماندهای بیمارستانی، علاوه بر مواردی مانند آلودگی های زیست محیطی، آلودگی خاک و آبهای زیرزمینی، خطر جمع آوری و استفاده مجدد از این سرنگ ها توسط معتادین و گسترش بسیاری از بیماری ها را در پی دارد. دفن پسماندهای بیمارستانی و عفونی به شیوه های کنونی در کشور می تواند عواقب و پیامدهای جبران ناپذیری بدنبال داشته باشد. دفن پسماندهای بیمارستانی به روش کنونی و همچنین استفاده از زباله سوز به دلیل آلودگی هایی که به همراه دارد به عنوان یک بحران جدی تلقی می شود. در زمان حاضر پسماندهای عفونی مراکز بهداشتی درمانی، مطب ها و آزمایشگاههای تشخیص طبی و مراکز درمانی از جمله بیمارستان ها با زباله های شهری امحاء می گردد که بر بهداشت و سلامت مردم تاثیرگذار است. پسماندهای شهری قابل بازیافت و تبدیل به کود و قابل استفاده در سطح شهر می باشد و به این علت مخلوط نمودن پسماندهای شهری و بیمارستانی تهدیدی است برای بهداشت شهروندان و کارکنان بخش خدمات شهری شهرداری ها و سازمان های مدیریت پسماند که با این قبیل پسماندها در تماس می باشند. زباله های حاصل از فعالیت های بهداشتی درمانی برای بهداشت و سلامت خطرات بیشتری دارند. این گونه ها عبارتند از: زباله های عفونی (۱۵٪ تا ۲۵٪ از کل زباله های ایجاد شده) از این میان اشیاء تیز (۱٪)، اندام های بدن (۱٪)، مواد شیمیایی و دارویی (۳٪)، مواد رادیو اکتیو و سیتوتوکسیک و دماسنج های شکسته (کمتر از ۱٪) را تشکیل می دهند.

اگر چه میزان تولید زباله های حاوی اشیاء نوک تیز نسب به دیگر پسماندها بسیار کم است، اما این گونه زباله ها بسیار عفونت زا هستند، دفع نامناسب این گونه زباله ها، کاربران امور بهداشت، کارگران جمع آوری زباله و کل جامعه را در معرض عفونت قرار می دهد. سر سوزن ها و سرنگ های آلوده خطر بسیار جدی محسوب می شوند، زیرا ممکن است این سر سوزن ها از میان زباله ها جمع آوری و دوباره مورد استفاده قرار گیرند. براساس برآورد سازمان ملل نشان می دهد، تزریق با سرنگ های آلوده باعث بوجود آمدن موارد ذیل شده است:

- ابتلا به ویروس هپاتیت B (HBV): ۳۲٪ از کل ابتلا به این نوع عفونت ها
- ابتلا به ویروس هپاتیت C (HCV): ۴۰٪ از کل ابتلا به این نوع عفونت ها
- ابتلا به ویروس HIV: ۵٪ از کل ابتلا به این نوع عفونت ها

براساس نتایج حاصل از مطالعات همه گیر شناسی (اپیدمیولوژی) در صورت ایجاد جراحی با سرنگ آلوده احتمال ابتلا به هپاتیت B ۳۰٪، هپاتیت C ۷۸٪ و HIV ۳٪ می باشد. سازمان ملل برآورد کرده است که در سراسر جهان میزان مراکز درمانی ای که زباله هایشان را به طرز صحیحی دفع نمی کنند از ۱۸ تا ۶۴ درصد هستند.

با توجه به ماده ی ۷ قانون مدیریت پسماندها مدیریت اجرایی پسماندهای ویژه (از جمله پسماندهای پزشکی) بر عهده ی تولیدکننده است. بنابراین بیمارستانها موظفند بر مبنای این قانون نسبت به مدیریت صحیح پسماندهای تولیدی خود اقدام نمایند و مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی باید بر اساس ضوابط و روشهای مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی و پسماندهای وابسته (مصوبه هیئت دولت) انجام شود. با توجه به وظیفه قانونی بیمارستان (ماده ۷ قانون مدیریت پسماند) و اهمیت اجرای کامل ضوابط و روش های مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی و پسماندهای وابسته ابلاغ شده طی بخشنامه شماره ۹۸۴۱۴ مورخ ۸۷/۳/۲۵، موضوع فوق براساس بخشنامه های وزارتی جزو الزامات قانونی اعتبار بخشی بیمارستان است و مطابق بخشنامه های شماره ۱۵۷/م مورخ ۸۶/۱/۱۹ و ۱۰۰/۵۵۸ مورخ ۹۰/۴/۱۵ مقام عالی وزارت متبوع، بیمارستان موظف است نسبت به اجرای کامل ضوابط فوق در بیمارستان اقدام نماید در غیر این صورت از صدور گواهینامه اعتبار بخشی بیمارستان های خاطی ممانعت به عمل می آید.

بند دوم: جرم شناختی باقی مانده سموم در محصولات کشاورزی و واکسن ها و آنتی بیوتیک ها در دام

بقایای سموم در محصولات کشاورزی تبعات جبران ناپذیری برای سلامت انسان ها دارد که این مسئله اغلب ناشی از عواملی چون سهل انگاری کشاورزان، تقلبی بودن سموم و عدم رعایت استانداردهای بین المللی و نیز فقدان آموزش های مناسب برای تولید و محافظت از محصولات کشاورزی است. سالانه حدود ۳۰ هزار تن از این ترکیبات شیمیایی در کشاورزی داخلی استفاده می شود. بررسی ها نشان می دهد که باقی ماندن بخشی از سموم روی این محصولات در طولانی مدت می تواند منجر به ایجاد انواع سرطان ها، اختلالات هورمونی، ناباروری، کاهش ضریب هوشی و... شود. بر اساس ماده

۱۷ آیین نامه اجرایی ورود، ساخت، فرمولاسیون و مصرف کودهای شیمیایی، زیستی، آلی و سموم دفع آفات نباتی مصوب ۱۳۸۹ وزیران عضو کمیسیون امور زیر بنایی، صنعت و محیط زیست، تمامی واحدهای تولیدکننده و ترکیب کننده سموم موظفند اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از آلودگی محیط زیست و منابع آب و خاک بر اساس دستورالعمل های سازمان حفاظت محیط زیست به عمل آورند. در مواقع بسیاری میوه ها را قبل از پایان دوره کارنس (زمانی که پس از سمپاشی باید سپری شود تا باقیمانده سم در محصول به حداقل برسد) به بازار می آورند در نتیجه سم باقی مانده بر روی بافت میوه ها به تدریج در معده و کبد که وظیفه دفع سموم را برعهده دارد جمع و موجب بیماری های مختلف می شود مواد موجود در کودها که به محصول کشاورزی منتقل می شود در برخی موارد می تواند باعث برهم خوردن تعادل بعضی عناصر مورد نیاز برای سوخت و ساز طبیعی بدن شود. سمومی که برای دفع آفات گیاهی مصرف می شود باید مدت معینی روی میوه و محصولات کشاورزی باقی بماند تا تجزیه شود. اما چون در بسیاری از موارد میوه و محصولات کشاورزی زودتر از وقت معین شده برای عرضه به بازار مصرف، برداشت می شود مقادیری از سموم در بافت میوه به صورت تجزیه نشده باقی می ماند. بیماری های ناشی از وجود سموم در محصولات کشاورزی در حالی افزایش یافته که نظارت دقیقی بر استفاده سموم وجود ندارد. در برخی موارد استفاده بیش از حد این مواد شیمیایی می تواند در تولیدات کشاورزی و دامی با عوارضی مانند سرطان، اختلال در کارایی قلب و بروز اشکال در سیستم خونرسانی بدن، اختلال در هضم غذا و کارکرد دستگاه گوارش ابتلا به پارکینسون و پوکی استخوان، بروز نقص هایزنتیکی، تولد نوزدانی با وزن کم و افزایش سقط جنین و اختلالات هورمونی سلامت افراد بویژه کودکان و مادران باردار را به خطر اندازد. باقی مانده سموم کشاورزی در محصولات و ارتباط آن با بهداشت و بیماری ها و عدم رعایت اتی بیوتیک ها در مصرف دامی قبل از گشتار و به تبع آن مصرف محصولات دامی توسط انسان و عوارض بعدی می تواند در قالب قانون پسماند ها مطرح گردند و عدم جرم انگاری آنها و قانونگذاری متناسب با آن موجبات گسترش روزافزون انواع بیمارها و آسیب های زیست محیطی گردیده که لازم است قانونگذار رویکرد جامع و دقیقی در قبال آن داشته باشد.

بخش پنجم: مجازات های جرایم مربوط به پسماندها و اقدامات تامینی و تربیتی

مجازات هایی که مقنن برای ارتکاب جرایم مربوط به پسماندها و اقدامات تامینی و تربیتی در نظر گرفته است می پردازیم.

بند اول: حبس

این نوع مجازات از زمانها بسیار قدیم یک وسیله مناسبی برای مجازات کردن مجرم بوده است و با گذشت زمان و امکانات آن تغییرات بسیار زیادی در آن ایجاد شده است و مشکل ابتدایی خود را به صورت یک چهار دیواری محدود، تاریک، نمناک و فاقد فضای و هوای لازم خارج شده و آن را به یک محیط درمانی تبدیل کرده است؛ طرفداران این نوع مجازات ها معتقدند که زندان محل تادیب، اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرم حتی مجرم خطرناک می باشد و به آمار و ارقام و نتایج مفید آن استناد می کنند؛ اختلاف مهم میان طرفداران این نوع مجازات ها در سیستم اداره زندان ها مخصوصا زندان های کوتاه مدت می باشد. مخالفان این مجازات معتقد هستند که این مجازات ها مخارج بسیار سنگینی برای دولت ها ایجاد می کند، از دیگر دلایل مخالفان این نوع مجازات این است که آنان معتقد هستند که زندان همانند یک آموزشگاه عمل می کند آموزشگاهی که به دانش آموزان خود طریقه ارتکاب جرایم مختلف را آموزش می دهد. (نوربها، ۱۳۹۷: ۴۱۳).

جرایمی که دارای مجازات حبس می باشند عبارتند از: ۱) ریختن زباله در خیابان حبس درجه ۶ تا یکسال ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵: ۲) دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی مواد و زاید حبس تعزیری درجه ۶ تا یکسال ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵: ۳) ریختن زباله نخاله و مصالح ساختمانی در راهها و راه آهن و حریم قانونی آن در صورتی که منجر به تخریب شود حبس تعزیری درجه ۶ از سه ماه تا دو سال ماده ۷ قانون اصلاح قانون ایمنی راهها و راه آهن (۱۳۷۹: ۴) ریختن زباله نخاله و مصالح ساختمانی در راهها و راه آهن و حریم قانونی آن در صورتی که منجر به تخریب نشود حبس تعزیری درجه ۷ از یک ماه تا شش ماه تبصره ماده ۷ قانون اصلاح قانون ایمنی راهها و راه آهن ۱۳۷۹.

۱. حبس بدل از جزای نقدی

معمولا به محض قطعیت حکم به جزای نقدی، این مجازات باید فوراً اجرا شود، ولی محکوم علیه می تواند جزای نقدی را به صورت اقساط بپردازد، اما چنانچه محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی امتناع کند یا مالی از او بدست نیاید، به موجب ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۷۷/۸/۱۰ به دستور قاضی صادر کننده به ازای هر (۳۰۰۰۰۰) با کسر آن یک روز بازداشت می شود. در صورتی که محکومیت همراه با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می شود، ولی از حداکثر مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد بود، در حالی که

حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از ۳ سال تجاوز نماید.

به موجب ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰: «هرگاه محکوم علیه در جریان اجرای حبس مدعی اعسار شود به ادعای او خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه تمکن او از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه متناسب با وضعیت او حکم بر تقسیط محکوم به صادر خواهد کرد (ولیدی، ۱۳۸۸: ۳۸۰). هرگاه شخصی بر اثر ارتکاب یکی از جرایم مربوط به پسماندها که دارای جزای نقدی است محکوم شود و شخص جزای نقدی مقرر شده را نپردازد دادگاه اموال او را به میزان جزای نقدی توقیف می کند اما چنانچه مالی از او به دست نیاید دادگاه وی را به ازای هر (۳۰۰۰۰۰ ریال) یک روز بازداشت می کند. مرتکب می تواند از دادگاه تقاضای تقسیط کند در این صورت دادگاه به صورت خارج از نوبت رسیدگی می کند و در صورتی که اعسار شخص ثابت شود دادگاه وی را آزاد خواهد کرد و چنانچه توانایی پرداخت به صورت اقساط را داشته باشد دادگاه متناسب با وضعیت او حکم به تقسیط صادر می کند.

۲. مجازات جایگزین حبس

مکتب دفاع اجتماعی نوین طرفدار سیاست جنایی حبس زدایی و اعدام زدایی و گسترش مجازات جانشین آن است و آنها به استفاده از مجازات های ذکر شده مجازات زیر را پیشنهاد می کنند: جزای نقدی، کار اجباری، کار عام المنفعه، مجازات تکمیلی و تبعی، انتشار رای محکومیت، بوقیف وسائل آلاینده، انحلال موسسه و یا شرکت و تعلیق مجازات. (مارک آنسل، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

کاهش جمعیت کیفری و هزینه های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی، کاهش تکرار جرم از اهداف مهم مجازات ها هستند؛ ازدحام جمعیت نه تنها سازمان زندان ها را با مشکل مواجه می کند بلکه کنترل و نظارت و تامین نظم و امنیت آن را هم دشوار می کند؛ در این راستا قطعنامه شماره ۱۶ هفتمین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان مربوط به کاهش جمعیت زندانها و بازسازی اجتماعی مجرمان اختصاص دارد؛ این قطع نامه به دولت های عضو پیشنهاد می کند که تحقیق در مورد حمایت از ضمانت اجرای غیر حبس را که به کاهش جمعیت زندان کمک می کند را افزایش دهند (کریستین، ۱۴۰۰: ۱۰۷).

با توجه به ناکارآمدی مجازات حبس به ویژه حبس های کوتاه مدت در اصلاح و بازپروری زندانیان، هم چنین به دلیل جرم زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان و مشکلات بهداشتی و روانی

موجود در آن پیش بینی برنامه‌های جایگزین حبس لازم و مفید به نظر می‌رسد. علاوه بر این اکثر زندانیان را مجرمان حرفه‌ای تشکیل نمی‌دهند که جامعه بخواهد خود را از گزند آنان مصون بدارد بلکه افراد کم درآمد یا فقیری هستند که مرتکب جرم‌های سبک می‌شوند، در این جا دولت می‌تواند با پرداخت هزینه اضافی مقابله کند؛ هم چنین باید در بازپذیری مجرم از طریق سلب آزادی توجه‌های ویژه داشت؛ اگر مجازات سلب آزادی ناراحتی موضعی و محسوسی برای محکوم و زندانی به وجود می‌آورد؛ مشکلات جدی هم برای بازپذیری اجتماعی وی در بردارد؛ هم چنین کیفرهای حبس کوتاه مدت، اختلال عمیقی در زندگی محکوم به وجود خواهد آورد، محکوم به طور معمول کار خود را از دست می‌دهد، خانواده اش از در کنار او بودن محروم میشوند و در معضلات عدیده‌های غوطه ور میشوند و به هنگام خروج از زندان با مشکلات متعددی برخورد می‌کند؛ در مورد مجازات‌های حبس نکته اصلی این است که معایب این نوع زندان بیش از مزایا آن است، بنابراین باید تلاش کرد تا با جایگزین کردن تدابیر دیگری از اجرای آن دوری کرد با پیش بینی جایگزین‌هایی هم چون جریمه های روزانه، خدمات عمومی... می‌توان از مجازات زندان اجتناب کرد (محمد نژاد، ۱۳۸۴: ۴۰).

بخش ششم: آسیب شناسی قانون مدیریت پسماندها

آسیب شناسی قانون مدیریت پسماندها شامل کارآمدی قانون مدیریت پسماندها و ... می باشد که در ادامه مورد تشریح قرار گرفته شده است.

بند اول: کارآمدی قانون مدیریت پسماندها

در جواب این سوال که آیا قانون مدیریت پسماندها کارآمد است یا نه؟ می‌توان چنین بیان کرد که در قبال حجم عظیمی از مشکلات و آلودگی های ناشی از انواع پسماندها، قانون مدیریت آن بسیار ناکارآمد و بسیار ضعیف از نظر جرم انگاری و کیفردهی انواع جرایم و تخلفات اشخاص حقیقی و حقوقی است، این ناکارآمدی از این جهت که کاملاً موجب تأثیر مستقیم در محیط است موجبات آثار زیانباری گسترده ای در محیط زیست شهری و خارج آن گردیده و آسیب های زیادی بر منابع آبی، خاکی، آب و هوا شده است. فساد حاکم بر جمع‌آوری، تفکیک و پردازش پسماندها خصوصاً در کلان‌شهرها، که گاه مافیای پسماند نامیده می‌شود، فساد سازمان یافته و منسجم با شبکه سازی قوی و دارای گردش‌های مالی بالاست که گاه حتی پوششی برای پول‌شویی و قاچاق است. حتی به اعتراف برخی مسئولان نهادهای حاکمیتی، این باندهای مافیایی و تبهکار گاه با بدنه شهرداری‌ها در ارتباط بوده و شهرداری مافیای پسماند را می‌شناسد. درعین حال، ابعاد این باندهای مافیایی و فساد سازمان یافته

در حال گسترش با سرعتی بسیار بیشتر از سرعت اقدامات حاکمیت در برخورد با آن است.

بند دوم: جرم زا بودن قانون مدیریت پسماندها

در جواب سوال اینکه آیا خود قانون جرم زاست یا خیر؟ اگر جرم زاست از چه لحاظ؟ می توان چنین بیان کرد که مجازات های که در مقنن برای جرایم مربوط به پسماندها در نظر گرفته است بیشتر جرمیه محور هستند و در برخی از موارد هم دارای مجازات حبس می باشند مواردی هم چون ریختن زباله در خیابان، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی مواد و زاید، ریختن زباله و نخاله، مصالح ساختمانی در راه ها و راه آهن و حریم قانونی آنها را شامل می شود ولی این مجازات و حبس ناچیز به عنوان مثال در قبال انبوه پسماندهای کارخانجات کارایی نداشته و خود می تواند عامل جرم زا در جرایم و تخلفات اشخاص حقیقی، حقوقی، دولتی و غیردولتی باشد.

بند سوم: نقش قانون مدیریت پسماندها در پیشگیری از جرم

آیا نقش قانون مدیریت پسماندها در پیشگیری از جرم موثر است یا خیر؟ متأسفانه در زمینه تهیه قانون جامع و موثر برای پیشگیری از جرم برای پسماندها در ایران تاکنون موفقیت چندانی به دست نیامده است. هرچند کیفر حبس و جزای نقدی در این قانون ناچیز می باشد ولی تنها حمایت کیفری شدید و قوی نمی تواند راه حل معضلات پسماندها باشد، بلکه باید از سایر ابزارها هم استفاده شود ابزارهایی همچون کارهای فرهنگی، آموزش و پرورش، ساختارهای علمی بازیافت پسماندها، جمع آوری و تقسیم بندی مناسب پسماندها، ایجاد زیرساخت های اجرایی، استفاده از پیام های زیست محیطی از طریق رسانه ها به خصوص رسانه ملی، ترویج استفاده از کالاهایی که کمتر پسماند تولید می کند پسماند همچون سایر موضوعات اجتماعی، از خصایص و ویژگی های متأثر می شود. بهبود شرایط و کیفیت زندگی شهروندان و افزایش و بالا رفتن توان آنان برای زندگی بهتر، سبب می شود تا تخریب و آلودگی محیط زیست در نتیجه ایجاد پسماند زیاد یا آلودگی از طریق پسماندها کاهش یابد، بر عکس در شرایط نامطلوب اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی تخریب محیط زیست به بهانه توسعه اقتصادی و صنعتی با حجم عظیم پسماندها توجیه می شود. قانون جامع با نظرداشت تمامی زمینه ها می تواند نواقص موجود را رفع و ساختارهای نوین، کیفری، غیر کیفری و پیشگیرانه را مدنظر قرار می دهد.

بند چهارم: لزوم رعایت اصول جرم شناختی در قانون مدیریت پسماندها

آیا اصول جرم شناختی برای قانون رعایت شده است یا خیر؟ به طور کلی پسماندها انواع گوناگونی دارند و از جمله می توان به پسماندهای ویژه، خطرناک، صنعتی، بیمارستانی، کشاورزی و دامی، هسته -

ای و فضایی نام برد. در قانون مدیریت پسماندها هر یک از پسماندها به صورت جداگانه مشخص شده اند و مقنن هر کدام از آن ها را به صورت جداگانه مورد تعریف قرار داده است.

بند پنجم: منطبق بودن قانون مدیریت پسماندها با نیازهای جامعه

آیا این قانون منطبق با نیازهای جامعه است یا خیر؟ نگاهی به مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با پسماند نشان می دهد که عموماً جرایم جز در چند مورد از نوع جرایم مطلق هستند و ارتکاب فعل یا ترک فعل بدون نیاز به نتیجه خاصی جرم تلقی می گردد. بیشتر جرایم مربوط به پسماندها توسط اشخاص حقوقی، شرکت ها و کارخانجات صورت می گیرد. سیاست کیفری یک جامعه می تواند از موثرترین وسایل کنترل افراد جامعه باشد. چنانچه با توجه به خصوصیات و احتیاجات ملی و فرهنگی جامعه تنظیم شود، می تواند از طریق تعیین رفتارهای ضد قانونی همین طور از طریق مجازات کردن انحراف هایی که از ضوابط قانونی صورت می گیرد. زمانی که یک فعل یا ترک فعل از سوی مقنن جرم انگاری می شود، نشان دهنده این مساله است که هنجارها یا ارزشی که در اثر انجام این رفتار نقض شده است، برای جامعه اهمیت و ارزش بالایی داشته است، به گونه ای که وضع قواعد و مقررات اخلاقی و انتظامی و مدنی توانایی حمایت از آن ارزش و هنجار را نداشته است. به همین ترتیب شدت و خفت مجازات ها هم بر اساس اهمیت و ارزش آن باید مورد حمایت مشخص قرار گیرد. باید سیستمی طراحی کرد که در آن بتوان هم زمان هم از ابزارهای سلبی (وضع جریمه)، هم ایجابی (فرهنگ سازی)، و هم مهم تر از این دو، ابزار انگیزشی (تحریک حس منفعت طلبی) استفاده کرد که در مدیریت پسماند در ایران، به مانند بسیاری از حوزه های دیگر، در بخش بهره گیری از ابزار انگیزشی عدم تمایل حکمرانان به سهم نمودن شهروندان در منافع اقتصادی فرآیندها را شاهد هستیم.

بند ششم: هر قانون که تصویب می شود باید (قطعیت، حتمیت، سرعت) داشته باشد

رویکرد حاکمیت در برخورد با این فساد سازمان یافته در بحث پسماندها بسیار منفعلانه، واکنشی، دستوری، کند و تنبل است قانون پسماندها و آیین نامه اجرایی آن متأسفانه قطعیت، حتمیت و سرعت عمل لازم را در ارتباط با جرایم و تخلفات مرتبط با پسماندها را ندارند علاوه بر آن دیگر قوانین و اقدامات و ابزارهایی چون صدور بخشنامه «ممنوعیت زباله گردی» در کنار «نداشتن حق برخورد و توقیف با کامیون های زباله گردان»، چاپ برنهای «تماس با شهرداری در صورت مشاهده کودک زباله گرد» و انتقاد تکراری و کلیشه ای مسئولان از «نیاز به فرهنگ سازی در میان مردم» و «عدم همکاری نهادهای مسئول»، تاکنون به هیچ عنوان کارآمدی و اثربخشی لازم برای مقابله با این فساد در

حال گسترش را نداشته‌اند و به‌روشنی می‌توان گفت که نه‌تنها جرایم ناشی از پسماندها در شهرها و مخصوصا کلان‌شهرها کاهش نیافته، بلکه افزایشی دوچندان یافته است که نشان از ناکارآمدی قوانین مخصوصا قانون مدیریت پسماندها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مدیریت پسماندها مسئله‌ای چندبعدی و پیچیده و از مهمترین مباحث مطرح در زمینه محیط‌زیست است که در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه متخصصان امر قرار گرفته است و ضرورت قانونگذاری در این زمینه بر کسی پوشیده نیست. مسئله پسماند یا به عبارت دیگر مواد زاید، امروزه به یکی از معضلات زیست محیطی برای بشر تبدیل شده است. نظر به این که میزان زیادی از مواد زاید جامد را می‌توان طبق قوانین مدیریت نمود، رها سازی، پخش و انتشار بی‌رویه مواد زیان‌آور راه و روشی منطقی به نظر نمی‌رسد قوانین حقوقی و کیفری ایران در قبال مدیریت پسماندهای محیط زیست را یک ارزش مورد حمایت نداشته و برای محافظت از آن به مداخله کیفری اقدام کرده‌اند. این مداخله از دو جهت مثبت ارزیابی نمی‌شود. اول آن که این مداخله به صورت پراکنده و در قوانین مختلف به عمل آمده است. دوم آن که ضمانت اجرای مقرر در این قوانین به جهت خفیف بودن، اثر بازدارنده نداشته و موجب تبعیت تابعان حقوق کیفری از آن‌ها نمی‌شوند. با این حال در حقوق ایران، حفاظت از محیط زیست و مدیریت انواع پسماندها دارای ارزش قلمداد شده و قانون‌گذار در قوانین مختلفی به بزه انگاری رفتارهای مخرب و بزه انگاری پسماند محور، بزه انگاری آلودگی‌های زیست محیطی (هوا، آب، خاک و آلودگی صوتی و تهدید علیه بهداشت عمومی مبادرت نموده است. قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰ یک اقدام پیشروانه در جهت حل معضل مدیریت پسماند در کشور بوده است. علیرغم ساختارمند شدن و تعیین مسئولیت‌ها برای دستگاه‌های ذیربط پس از تصویب این قانون، با گذشت بیش از ۱۸ سال، چالش‌ها، ضعف‌ها، ابهامات و نیز ضعف‌های زیاد حقوقی، اجرایی، جرم‌شناختی، سزادهی موثر و متناسب و رویکردهای پیشگیرانه اثربخش در قانون فوق، آیین‌نامه اجرایی و ضوابط مربوطه رخ نموده است که ضرورت اصلاح این قانون را محرز کرده است. بر اساس قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۴ جرم‌انگاری شامل مداخله در پسماندهای پزشکی، خرید و فروش پسماندها، مداخله در سایر پسماندها، مخلوط کردن پسماندها، حمل و نقل پسماندها، پخش کردن پسماندها، عدم بازیافت پسماندها، تخلیه پسماندها، سوزاندن پسماندها در محیط آزاد یا غیراستاندارد و مغایر با ضوابط و شیوه‌نامه‌های مربوط،

عدم ارائه اظهارنامه مربوط به مشخصات و مقدار و نحوه مدیریت پسماندهای ویژه از سوی تولید کنندگان پسماندها و ویژه، تخلیه پسماندهای ویژه در اماکن غیرمجاز، و ... را شامل می شود بر اساس قانون مدیریت پسماندها، دفع پسماندهای عادی و ویژه باید مطابق با قانون مدیریت پسماندها و آیین نامه اجرایی آن باشد. باید کلیه معیارهای زیست محیطی، زمین شناسی، هیدرولوژی، هیدروژئولوژی، توپوگرافی، فیزیو گرافی، اقلیمی، خاک شناسی در دفع پسماندها رعایت گردد. با نظر به موارد مطرح شده در قانون مدیریت پسماندها و آیین نامه اجرایی آن، اشکالات اساسی نسبت به آن مطرح می باشد اینکه مصادیق مشخص شده جهت جرم انگاری و تعیین مجازات بسیار کمتر از انواع تخلفات و آسیب های ناشی از بحث پسماندها در محیط زیست می باشد و نیز این اشکال اساسی مطرح می باشد که مجازات موجود اصلاً دارای اثر بخشی کافی نبوده و لازم است مجازات و کیفر متناسب با آن اتخاذ گردد تا موجود ایجاد بحران های زیست محیطی و عوارض شدید ناشی از آن نشود. لازم است که مقنن در نخستین اقدام خویش به تدوین قانونی منسجم و یکپارچه مدیریت پسماندها با تمامی جوانب حقوقی، کیفری و پیشگیرانه بر اساس استانداردهای بین المللی و داخلی زیست محیطی در تمامی جوانب قبلی و نوین آن مبادرت ورزد تا از پراکندگی فعلی قوانین محیط زیستی جلوگیری به عمل آورد و در اقدام بعدی به اصلاح ضمانت اجرای حقوقی و کیفری به صورت کاربردی و موثر همت گمارد تا گامی مثبت برای جلوگیری از ورود آسیب های متعدد از ناحیه پسماندها و بیماری های مبتنی بر آن برداشته شود. هم چنین مقنن باید با بهره گیری از متخصصان حوزه حقوق کیفری به رفع چالش های موجود در عرصه حمایت کیفری از محیط زیست سالم به طور عام و عاری از انواع پسماندها به طور خاص نائل آید تا از تفاسیر ناروا در این عرصه پیش گیری و کمک شایانی به کارایی و پویایی مقابله کارا و اثربخش با بحث پسماندها گردد.

در ایران بر اساس قانون مدیریت پسماند، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت کشور و کارگروه ملی مدیریت پسماند به عنوان اصلی ترین نهادهای متولی قاعده گذاری و نظارت مدیریت پسماند معرفی شده اند و سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان ناظر عالی مدیریت پسماند تعیین شده است. اما از آن جا که نقش نظارتی و قاعده گذاری نهادهای پیش بینی شده در قانون، به درستی و در سطح مطلوب اجرا نمی شود، در عمل می توان گفت مجموع وظایف قاعده گذاری، اجرایی و نظارتی در سازمان شهرداری تجمیع شده است.

عدم اجرای صحیح قانون مدیریت پسماند در ایران باعث شده است تمام اختیارات و وظایف حوزه

مدیریت پسماند در شهرداری‌ها تجمیع شود و این مسئله شهرداری‌ها را در معرض انواع گوناگونی از تعارض منافع من جمله تعارض منافع اتحاد قاعده گذار و مجری قرار داده است.

هرچند جهت اصلاح مسائل و ایرادات موجود در قانون مدیریت پسماندها، قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی با مشارکت بخش غیردولتی مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید لکن باز در قبال بحث جرم انگاری مناسب جرایم و تخلفات موجود ضعف‌های بسیاری وجود دارد.

ماهیت، کیفیت و مرجع پاسخ به بزهکاری زیست محیطی در سیاست جنایی ترکیبی با تأکید بر سامان دهی شبکه‌های غیر کیفری و با ضمانت اجراهای اداری، مبتنی بر تعامل و همکاری دولت، جامعه مدنی، اشخاص حقوقی و فعالان عرصه محیط زیست است. تأکید بر کاربری سازوکارهای تخلف انگاری و متعاقباً رسیدگی‌های اداری، به معنای نفی تدابیر، اقدامات مؤثر و به هنگام کیفری نیست، بلکه هدف از چنین تأکیدی، تلاش برای تکمیل و تأثیر بیش از پیش تدابیر کیفری در کنار اقدامات کارگزاران اداری در نظارت بر مرعی داشتن مقررات زیست محیطی در پهنه سیاست جنایی ترکیبی است.

برای نمونه در ماده ۲۰ قانون مدیریت پسماندها و مواد زائد ۱۳۸۳، خودروهای تخلیه کننده پسماند در اماکن غیرمجاز که با اقدام خود آلودگی محیط زیست را تشدید می‌نمایند، به یک تا ده هفته توقیف محکوم می‌شوند که این مهم مستلزم عدم استناد صرف به ماده عام شمول ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی است؛ صدیقی که متضمن پاسخ‌دهی اولیه به تخلفات زیست محیطی در مراجع غیر قضایی در سیاست جنایی ترکیبی است.

بدیهی است که قوای سه گانه اجرایی، قضایی و تقنینی، نقشی انکارناپذیر در فرایند ترسیم و تنظیم سیاست‌های پاسخ دهی مبنی بر الزامات تقنینی و فروتقنینی پاسخ دهی در برابر بزهکاری زیست محیطی بر عهده دارند. مستند فراتقنینی مداخله نهاد قضایی در این حوزه را می‌توان در سطح اختیارات قانونی واگذار شده وفق اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبنی بر تهیه لوایح قضایی متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از وظایف قوه قضاییه برشمرد. افزون بر این، ریاست قوه قضاییه به عنوان عالی‌ترین مقام قضایی - اداری در سلسله مراتب قانونی در این قوه، صلاحیت تهیه بخشنامه را در حوزه وظایف محوله داراست. از طریق تهیه و ابلاغ بخشنامه‌های قضایی همواره بخشی از ساختار سیاست گذاری جنایی تعیین می‌گردد. بر این اساس با توجه به رویکرد سیاست گذاران جنایی، نظام

عدالت کیفری در این امر به طور مستقیم مداخله می نماید.

همچنین بهره‌مندی از قوای اجرایی در عرصه خط مشی گذاری و استفاده از ساختار اداری در کنترل جرایم زیست محیطی و پسماندها اجتناب‌ناپذیر است. بر این ابتننا از آنجا که از یک سو، قوه مجریه اختیار تبیین و اجرای خط‌مشی‌های اجرایی را دارد و از سوی دیگر در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، به تبیین آن دسته از اموری پرداخته است که تحقق آن را موجب اقتدار و حاکمیت کشور خوانده و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌گردد، در بند ط ماده مطروحه، حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی، در زمره نظام حاکمیتی قرار گرفته است. لذا اجرای سیاست‌های زیست محیطی از اختیارات دولت محسوب می‌شود که سیاست جنایی ترکیبی، هم افزایی قوای سه گانه در برابر بزهکاری زیست محیطی به دور از هر گونه موازی کاری را مطمح نظر قرار می دهد. بی شک مطالعه پاسخ‌گذاری بزهکاری زیست محیطی در تناظر با بزه انگاری این مهم ضروری می نماید.

منابع و مآخذ

- ابن اخوه، محمد بن محمد بن احمد (۱۳۸۶). آیین شهرداری، تهران: شهرداری تهران.
- اردبیلی، محمد علی (۱۴۰۰)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان، چاپ پنجاه و نهم.
- باقری زرین قبایی، حسین (۱۳۹۲). ضمانت اجراهای کیفری زیست محیطی در نظام حقوقی ایران و انگلیس، تهران: انتشارات خرسندی.
- باهری، محمد (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، ناشر: نگاه معاصر، چاپ اول.
- بکاریا، سزار (۱۴۰۰). رساله جرایم و مجازات ها، (ترجمه محمد علی اردبیلی)، تهران: انتشارات میزان، چاپ دهم.
- پارسائیان، علی؛ اعرابی، محمد (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۰). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول
- تقی زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۴). حقوق محیط زیست در ایران. تهران: انتشارات سمت، چاپ نخست
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، اعمال مقدماتی در حقوق کیفری ایران علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت.
- جوزی، علی؛ جاوید جعفر پور و فرشاد شعاریان (۱۳۹۸)، حقوق محیط زیست، تهران: انتشارات علم کشاورزی ایران، چاپ دوم.